

تحلیل جامعه‌شناختی پتانسیل رفتارهای نابهنجار با تأکید بر نظریه فشار عمومی اگنیو

تاریخ پذیرش: 1398/04/10

تاریخ دریافت: 1398/01/21

محمد حسین ابتکاری¹، سیروس احمدی²

از صفحه 1 تا 22

چکیده

زمینه و هدف: همه جوامع در معرض رفتارهای نابهنجار قرار دارند اما شناسایی پتانسیل نابهنجاری ظرفیت پنهان جامعه در عدم تبعیت از هنجارها، می‌تواند چشم‌انداز روشنی از زمینه‌ها و ظرفیت‌های جامعه برای بروز آسیب‌ها، بی‌نظمی‌ها و آشفتگی‌ها به تصویر بکشد. لذا هدف از این پژوهش بررسی تأثیر فشار عمومی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار براساس تئوری پنج سنخی اگنیو می‌باشد.

روش‌شناسی: روش انجام این پژوهش پیمایشی و جامعه‌ی آماری، کلیه شهروندان نواحی شهری و روستایی 65 – 18 سال استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشند که 450 نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه-گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق، ترکیبی از پرسشنامه پژوهشگر ساخته و استاندارد هست که اعتبار آن با استفاده از اعتبار محتوا، صوری و اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی، بررسی گردید و پایایی آن به روش کودر ریچاردسون مورد سنجش قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل استفاده گردید.

یافته‌ها: مدل‌سازی معادلات ساختاری پژوهش بیان‌کننده‌ی این است که فشار عمومی بر پتانسیل رفتار نابهنجار تأثیر مثبت دارد و قادر است 41 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند. همچنین، ضریب تأثیر فشار عمومی بر روی پتانسیل رفتارهای نابهنجار (0/64) است که با توجه به مقدار تی (6/9) این ضریب، معنادار است و نشان می‌دهد به ازای هر واحد تغییر در فشار عمومی، 0/64 پتانسیل رفتار نابهنجار در جهت مثبت تغییر بوجود می‌آید. همچنین، با ورود متغیرهای جمعیتی به عنوان متغیرهای کنترل، تفاوت معنادار زنان و مردان، مجردان و متأهلان، شهری‌ها و روستایی‌ها در میزان پتانسیل رفتار نابهنجار مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌ی تحقیق حاضر موافق با نظریه‌ی اگنیو می‌باشد و نشان می‌دهد که با افزایش فشار عمومی، احتمال وقوع رفتارهای نابهنجار در جامعه به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد، به طوری که هر وقت محرک‌های ارزشمند مثبت حذف می‌شوند و یا محرک‌های منفی افزایش می‌یابند، فشار ایجاد می‌شود و این فشار منجر به پاسخ‌های انحرافی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: فشار عمومی، پتانسیل رفتار نابهنجار، کهگیلویه و بویراحمد.

1- دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)، رایانامه: Mh.ebtkari@yahoo.com

2- دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، رایانامه: sahmadi@yu.ac.ir

مقدمه

هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرند و با رعایت آنهاست که جامعه نظم می‌یابد. در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها الگوهای استاندارد شده‌ی رفتار و کردارند؛ زیرا آنها راهنمای آشکاری هستند و به مردم یک جامعه می‌گویند که در هر شرایط اجتماعی چه رفتاری باید داشته باشد (ستوده، 1395: 29). رفتار نابهنجار تخلف عمدی از این هنجارهای اجتماعی مورد قبول در یک جامعه است که با مطالعه‌ی آن درک بهتری از نظم اجتماعی به دست می‌آید (صدیق‌سروستانی، 1390: 1). بر این اساس، یک مشکل اساسی در جامعه، همواره این است که چرا برخی افراد جامعه نمی‌توانند خود را با هنجارها و ارزش‌های موجود در جامعه هم‌نوا سازند؟ بر اساس آموزه‌های جامعه‌شناختی زمانی که زمینه و بستر بروز ناهنجاری آماده باشد، ارتکاب بزهکاری بیشتر خودش را نشان می‌دهد. چون انسان در تعامل با جامعه، محیط و همچنین اجتماعی شدن و اجتماعی زیستن، هویت پیدا می‌کند و در ارتباط با دیگران نیازهایش را مرتفع می‌نماید. گاهی افراد به خاطر عدم فرهنگ‌پذیری و مخالفت‌های هراسناک از یک طرف و عدم تطبیق خود با موقعیت‌های جدید از طرف دیگر و تأمین نشدن نیازهای اولیه به جهت ناکارایی و نداشتن مهارت از طرف دیگر موجب سرخوردگی و انزوا شده و موج مخالفت را در شکل‌های بزهکاری و مجرمیت بارز می‌سازد (سرهنگ‌زاده و ظروفی، 1394: 93). جامعه‌شناسی همیشه، دغدغه‌ی بهبود زندگی انسان و حل مسائل اجتماعی را داشته و در این میان بررسی و تحلیل رفتارهای نابهنجار در جامعه به لحاظ جامعه‌شناختی حائز اهمیت است، چرا که بسیاری از ابعاد نابهنجاری، اجتماعی هستند. با این اوصاف این پژوهش می‌کوشد، با نگاهی جامعه‌شناسانه وضعیت پتانسیل رفتارهای نابهنجار را تشریح نماید.

رفتارهای نابهنجار و جرایم و جنایات، همیشه یک مشکل عمده و بزرگ برای جوامع باقی مانده‌اند. جنایات و جرایم، آداب و رسوم مقدس، قوانین و ارزش‌ها را نقض می‌کنند (نیسار¹، 2015: 37). بقاء و داوم هر جامعه، مستلزم حداقلی از نظم اجتماعی است. این نظم از طریق ارزش‌ها، به عنوان مفاهیم کلی و مشترک در مورد آنچه خوب، درست و

مطلوب است (فرانته¹، 2011: 11) و هنجارها، به عنوان الگوها و قواعد عینی رفتار در موقعیت‌های مختلف (فریز و استین²، 2010: 104) به دست می‌آید. هنجارها به عنوان تجلیات عینی ارزش‌ها، معمولاً به شکل شیوه‌های قومی³، رسومات اخلاقی⁴ و قوانین (برینکرهوف⁵ و همکاران، 2012: 41) ظاهر می‌شوند و با تعیین رفتارهای مورد انتظار و پیش‌بینی‌پذیر، باعث می‌شوند، نظم اجتماعی در جامعه تضمین شود (تیشلر⁶، 2010: 55). هنجارها همیشه اثرگذار نیستند و چنانچه قدرت تنظیم‌کنندگی و اثربخشی خود را از دست بدهند، ناهنجاری بوجود می‌آید (کندال⁷، 2011: 13). در وضعیت ناهنجار سطح رفاه زندگی، رضایت و احساس خوشبختی کاهش می‌یابد، افراد در دستیابی به اهداف مورد نظر خود ناامید می‌شوند، اعتماد تضعیف می‌شود، توافق بر هنجارهای اخلاقی تضعیف و همکاری درون گروهی آسیب می‌بینند و شکاف در جامعه افزایش می‌یابد (تیموری⁸ و همکاران، 2016: 4) که طی آن افراد از هنجارهای رسمی یا غیررسمی تبعیت نمی‌کنند، نرخ انواع آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و نظم اجتماعی متزلزل می‌شود (رفیع پور، 1378: 15). همه‌ی جوامع در معرض رفتارهای ناهنجار قرار دارند اما پتانسیل ناهنجاری - ظرفیت پنهان جامعه در عدم تبعیت از هنجارها - (گیدنز و گریفیتس⁹، 2009: 794) در جامعه‌ی استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل تغییر و تحولات سریع اجتماعی همچون، رشد شتابان طلاق، آمار بالای خودکشی (پزشک قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد و سازمان بهزیستی کشور، 1395)، افزایش حاشیه‌نشینی (گزارش استانداری کهگیلویه و بویراحمد، 1395)، افزایش سرقت، رشد مواد مخدر (گزارش نیروی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، 95)، رشد فزاینده‌ی کودکان کار (گزارش استانداری کهگیلویه و بویراحمد، 1395)، افزایش تصادفات رانندگی (گزارش فرماندهی پلیس‌راه کهگیلویه و بویراحمد، مهر 95)، افزایش پرونده‌های قضایی (گزارش رییس دادگستری استان کهگیلویه، 1395)،

1- Ferrante

2- ferris and stein

3- Folkways

4- Mores

5- Brinkerhoff

6- Tischler

7- Kendal

8- Teymoori

9- Giddens and Griffiths

شناسایی 8300 انشعاب آب غیر مجاز در سال 94 و 1400 مورد در سه ماهه نخست 95 (گزارش اداره آب و فاضلاب استان کهگیلویه، 1395)، و بالاخره، رتبه دوم مراجعین معاینات نزاع در بین استان‌های کشور در سال 94 (پزشک قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد، 1395) بیانگر این است که استان کهگیلویه و بویراحمد می‌تواند از پتانسیل نابهنجاری قابل توجهی برخوردار باشد.

برخی شواهد نشان می‌دهند، فشار عمومی یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری رفتارهای نابهنجار در بین افراد جامعه است. فشار به عنوان روابطی که در آن دیگران با فرد طوری رفتار نمی‌کنند که او تمایل دارد رفتار کنند تعریف می‌شود (لیشر¹، 2016: 590). این نظریه بیان می‌کند حوادث منفی در زندگی افراد منجر به ایجاد استراتژی‌های خاصی برای مقابله با آن‌ها می‌شود تا اثرات چنین فشارهایی را کاهش دهد که یکی از این استراتژی‌ها جرم و انحراف است (بریرا² و همکاران، 2016: 266). تئوری فشار عمومی استدلال می‌کند که فشارها یا عوامل استرس‌زا احتمالاً با وجود حالات عاطفی منفی مانند خشم، سرخوردگی، ناامیدی و وجود محرک‌های منفی و حذف محرک‌های مثبت در زندگی افزایش می‌یابد. این حالات و محرک‌ها باعث ایجاد فشار برای اقدامات اصلاحی می‌شود و جرم یک پاسخ ممکن به آن است. انحراف و جرم ممکن است یک روش برای کاهش فشار باشد (اگنیو³، 2001: 319). اگنیو (2006) احساسات منفی از جمله خشم، افسردگی و ترس را عامل فشار می‌داند که افراد را به سمت انحراف و جرم تحریک می‌کند. اگنیو هر رویداد استرس‌زا را به عنوان عامل فشار می‌داند. او معتقد است افراد هنگامی که تحت فشار قرار می‌گیرند، دچار احساسات منفی می‌شوند و این فشار و احساسات منفی منجر به پاسخ‌های انحرافی می‌شوند (کیس⁴، 2018: 69). این مسأله، محقق را بر آن داشت تا از طریق پژوهش، در بین شهروندان عادی - نه لزوماً مجرم - پتانسیل رفتارهای نابهنجار را در نواحی شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد مورد آزمون قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار در جامعه تا چه اندازه متأثر از فشار عمومی است؟

1- Leasure

2- Barrera

3- Agnew

4- Keith

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به طور کلی سه معنای متمایز برای نابهنجاری بر می آید:

- 1- بی‌سازمانی شخصیت آن چنان که فرد، خود را منحرف متمدن در برابر قانون نشان می‌دهد؛
- 2- شرایط و وضعیتی که در آن هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی، آشتی و سازگاری پدید آورند؛
- 3- وضع یا شرایطی اجتماعی که فاقد هنجار باشد (بخاری، 1393: 117).

دورکیم معتقد است: زمانی که قیدوبندهای هنجار، که بر درستی و نادرستی در جامعه تأکید دارند، شکسته شوند، در چنین شرایطی مجموعه‌ی مشترکی از ارزش‌ها وجود نخواهد داشت و ساختارهای اجتماعی به شدت آسیب می‌بینند و در چنین شرایطی، نابهنجاری ایجاد می‌شود (تامسون، 1397: 16). از نظر رابرت مرتون¹، یک جامعه‌ی منسجم، بین ساختار اجتماعی (وسیله‌های اجتماعی تأیید شده) و فرهنگ (آرمان‌های تعیین شده) توازن برقرار می‌کند. بی‌هنجاری، نوعی عدم انسجام جامعه است که بر اثر انفکاک بین اهداف فرهنگی ارزش داده شده و وسیله‌های اجتماعی مشروع برای نیل به آن اهداف ایجاد می‌شود (کریستین و آکرز²، 1390: 112 - 111). از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد است. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است (احمدی، 1394: 54). از نظر کلوارد و اوهلین، انگیزه و آرزو برای موفقیت، به خودی خود مسئول انطباق با رفتار کژروانه نیست. فرد باید در «محیط‌های یادگیری کژروانه یا انطباق‌گرایانه» باشد که به او امکان دهد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را یاد بگیرد و عمل کند. صرف این‌که فرصت‌های مشروع در دسترس

1 - Robert Merton

2 - Christine and Akers

نیستند، لزوماً به این معنا نیست که فرصت‌های نامشروع آزادانه قابل دسترس هستند (کریستین و آکرز، 1390: 116).

هنجار آن قاعده‌ی رفتار یا خصوصیتی است که اکثریت اعضای جامعه یا یک گروه به آن عمل می‌کنند یا می‌پذیرند و عدم پیروی از آن مجازات و توبیخ (بیشتر غیررسمی) را در پی دارد (افقی و صادقی، 1388: 69 - 68). هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرند و با رعایت آن‌هاست که جامعه نظم می‌یابد و در مجموع آنها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- هنجارهای دینی: هنجارهای دینی معلول آموزش دینی هر جامعه مفروض هستند. هنجارهای اخلاقی را نیز می‌توان در مقوله‌ی هنجارهای دینی به حساب آورد. هنجارهای اخلاقی مبتنی بر باورها و ارزش‌های با اهمیت جامعه است که نقض آن‌ها واکنش شدیدی را به همراه دارد (ستوده، 1395، 30 - 29).

- هنجارهای رسمی: مشتمل بر قوانین تشکیلاتی، اداری و مالی کشور و واحدها و مؤسسه‌های تابعه است، مانند: قانون اساسی، قانون مدنی، قوانین حقوقی و جزایی. هنجارهای رسمی به وسیله‌ی نمایندگان مجلس وضع می‌شوند و بخش اعظم کارهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و اداری و سازمانی بر اساس آن انجام می‌گیرند و سازمان‌های قضایی و نیروهای انتظامی برای نظارت بر اجرای آن‌ها به وجود آمده‌اند.

- هنجارهای سنتی (غیررسمی): هنجارهایی است که توسط فرد یا افرادی وضع نشده، بلکه خود به خود و به صورت تدریجی از اتفاقات روزمره‌ی زندگی سرچشمه گرفته و خاستگاهی جز کل جامعه ندارد. این هنجارها جزئی از فرهنگ عامه است که آن‌ها را با عنوان سنت‌ها، رسم‌ها و آداب و رسوم می‌شناسیم. آداب و رسوم هنجارهایی است که مشخص می‌کند افراد در فعالیت‌های روزانه‌شان به چه شیوه‌های مورد قبولی باید رفتار کنند (ستوده، 1395: 31). در تحقیق حاضر هنجارهای رسمی و غیررسمی به عنوان ابعاد متغیر وابسته تحقیق، یعنی پتانسیل رفتار نابهنجار مورد استفاده قرار گرفت.

فشار عمومی به عنوان متغیر مستقل تحقیق، به وقایع و شرایطی اشاره می‌کند که شخصاً توسط افراد تجربه می‌شود و مورد نفرت قرار می‌گیرد (اگنیو، 2015: 133). این تئوری بیان می‌کند که افراد درگیر جرایم هستند، زیرا آن‌ها فشارها و استرس‌های خاصی را تجربه می‌کنند. این تئوری از زمانی که اگنیو (1992) آن را مطرح کرد، برای همه انواع مختلف انحرافات مورد استفاده قرار گرفت (بیشاپ و همکاران، 2016: 637). اگنیو معتقد است تئوری فشار، متفاوت از تئوری قبل از خود است و در چند دسته تقسیم می‌شود که از جمله:

- حذف محرک‌های مثبت (به عنوان مثال، از دست دادن یک شریک عاشقانه، مرگ یک دوست) (اگنیو، 2001: 319)، مرگ عضوی از خانواده و جدایی والدین (بریرا و همکاران، 2016: 267).

- وجود محرک منفی: به عنوان مثال، تنبیه فیزیکی، توهین کلامی (اگنیو، 2001: 319)، مورد کودک آزادی قرار گرفتن، سوء استفاده از طرف همسالان، مجازات فیزیکی، قربانی خشونت قرار گرفتن، شرایط کاری ناخوشایند، تجربیات منفی در مدرسه (بریرا و همکاران، 2016: 267). قربانی شدن و تنبیه بدنی و تحقیرات زبانی در مدرسه یا خانواده می‌تواند منجر به پاسخ عاطفی منفی و ترس و رفتارهای تهاجمی در افراد شود (کیث، 2018: 70).

- حالات و احساسات منفی: این احساسات شامل: خشم، افسردگی، ناکامی، سرخوردگی و ناامیدی است (اگنیو، 2015: 131). افراد ممکن است برای از بین بردن این احساسات منفی، به رفتارهای غیراخلاقی دست بزنند (بریرا و همکاران، 2016: 267).

از نظر اگنیو فشار، ناشی از شکست برای دستیابی به اهداف مثبت ارزشمند است، زمانی که محرک‌های ارزشمند مثبت حذف می‌شوند و یا محرک‌های منفی افزایش می‌یابند، فشار ایجاد می‌شود (بیشاپ و همکاران، 2016: 638). این فشارها در حالت‌های تجمعی نقش بیشتری در پیش‌بینی انحراف دارند. افرادی که فشارهایی مانند افسردگی، خشم و ناامیدی را تجربه می‌کنند، این احساسات آنها را تشویق می‌کنند تا مرتکب جرم شوند (بریرا و همکاران، 2016: 267). از نظر اگنیو جرایم یک پاسخ احتمالی به این

فشارهاست. جرم ممکن است برای کاهش یا فرار از فشارها استفاده شود. به طور مثال: افراد ممکن است پول مورد نیاز خود را سرقت کنند، یا از سوء استفاده والدین فرار کنند. ممکن است به دنبال انتقام از منبع فشار مانند حمله به همسالان باشند. جرم همچنین ممکن است برای کاهش اثرات منفی باشد، مانند مصرف داروهای ممنوعه برای بهتر شدن (اگنیو، 2015: 131). اگنیو به طور کلی بر اساس ابعاد مورد نظر فشار عمومی معتقد است که موارد زیر به افزایش جرم و انحراف کمک می‌کند:

- طرد والدین؛
- نظم و انضباط بسیار شدید والدین و مدرسه، همراه با استفاده از تحقیر، توهین، تهدید، فریاد و مجازات‌های جسمی؛
- سوء استفاده و بی‌توجهی به کودکان؛
- تجربیات منفی در مدرسه مانند: نمرات کم، رابطه‌ی منفی با والدین، خستگی و احساس اتلاف وقت؛
- سوء استفاده در روابط دوستانه به صورت کلامی یا جسمی؛
- کار در مشاغل ناخوشایند که مزایا و اعتبار کمی دارد و فرصت پیشرفت چندانی در آن نیست. استقلال ضعیف و روش اجباری کنترل دارد؛
- بیکاری شدید که همراه با سرزنش دیگران باشد؛
- مشکلات زناشویی (درگیری مداوم، سوء استفاده‌های کلامی و جسمی)؛
- قربانی جنایت شدن؛
- اقامت در جوامع بسیار فقیر که گرفتار مشکلاتی چون جرم و جنایت هستند؛
- مشکلات اقتصادی مانند ناتوانی در پرداخت صورتحساب، فروش اموال و ...؛
- بی‌خانمانی از جمله کمبود پناهگاه و مواد غذایی؛
- تبعیض بر اساس قومیت، نژاد، جنس، منطقه و مذهب؛
- ناتوانی در دستیابی به اهداف مشخص (اگنیو، 2015: 135).

علی‌وردنیا و یوسفی (1393) طی پژوهشی با عنوان «تمایل به خودکشی بین دانشجویان (آزمون تجربی نظریه فشار عمومی) در دانشگاه مازندران» به این نتایج دست یافتند: که فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای و حذف محرک مثبت با تمایل به خودکشی رابطه مستقیم و معناداری دارد. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین فشار و حالات عاطفی منفی دانشجویان مشاهده گردید. غلامی و نصیری خانقاه سادات (1394) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با نوع ارتکاب جرم در شهرستان خلخال» پرداختند. نتایج نشان دادند که کسانی که نسبت به آینده ناامید بودند بیشتر مرتکب جرم شده‌اند.

کیس (2018) در پژوهشی با عنوان «چگونه قلدری سایبری بر ترس دانش‌آموزان تأثیر دارد؟ کاربرد نظریه فشار عمومی» بر روی دانش‌آموزان 18 - 12 در ایالات متحده آمریکا نشان داد که قربانی شدن در مدرسه موجب فشار بر فرد و ایجاد احساسات منفی و ترس در او می‌شود. که بر مبنای نظریه اگنیو احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد. بیشاپ¹ و همکاران (2016) در یک پژوهش با عنوان «فشار عمومی و سوء رفتار پلیس» تأثیر فشار عمومی را بر روی رفتارهای انحرافی پلیس در تگزاس آمریکا مشاهده کردند. باریرا² و همکاران (2016) در پژوهشی با عنوان «وقایع زندگی و رفتارهای ناسازگارانه در بین نوجوانان فلیپینی» به این نتیجه رسیدند که فشار عمومی ناشی از تجربیات منفی، رفتارهای ناسازگار را تشویق می‌کند. لیشر (2016) در پژوهشی با عنوان «فشار عمومی و عدالت رویه‌ای در بانکداری خرد» بر روی اعضای بانکداری صنعتی ایالات متحده آمریکا، نشان داد که مقدار زیادی از انحرافات ناشی از فشار عمومی است. ردیولسکو³ (2015) در پژوهشی با عنوان «بی‌هنجاری و خودکشی در جوامع پساکمونیزم» با ارجاع خاص به کشور رومانی، به این نتیجه رسید که افسردگی، فشار و استرس، از عوامل تعیین‌کننده‌ی خودکشی آنومیک است.

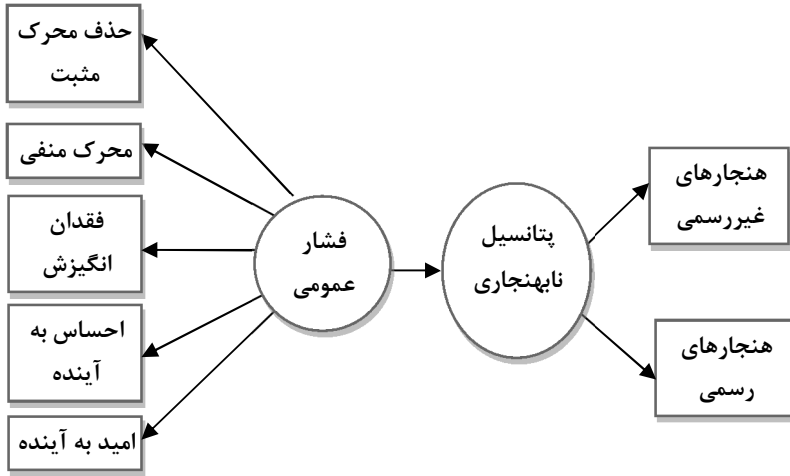
با توجه به مباحث یاد شده، فرضیه ذیل بر مبنای نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو استخراج و مدل مفهومی تحقیق مطابق شکل 1 ترسیم گردید.

1- Bishopp

2- Barrera

3- Radulescu

- فشار عمومی بر پتانسیل رفتار ناپهنجار تأثیر دارد.



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایش مقطعی و غیرآزمایشی انجام شده است. جامعه آماری، افراد 65- 18 سال در مناطق شهری و روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد است که بر حسب سرشماری سال 1395 (مرکز آمار ایران، 1395) تعداد آنها در حدود 470614 نفر برآورد می‌شود. با استناد به فرمول نمونه‌گیری کوکران¹ (1977) حجم نمونه در حدود 382 نفر برآورد شد که جهت افزایش دقت به 450 نفر افزایش یافت. جهت انجام نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری احتمالی تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد.

ابزار تحقیق جهت سنجش پتانسیل رفتارهای ناپهنجار پرسشنامه‌های پژوهش‌گر ساخته با تأکید بر هنجارهای بومی استان و ابزار سنجش فشار عمومی ترکیبی از پژوهشگر ساخته و مقیاس ناامیدی بک است. پس از تنظیم ابزار تحقیق، از 3 داور متخصص در حوزه حقوق، جامعه‌شناسی و ادبیات‌عامه استان کهگیلویه خواسته شد اعتبار محتوایی آن‌ها را ارزیابی کنند. همچنین از اعتبار صوری جهت افزایش اعتبار

1- Cochran

تحقیق استفاده گردید و سپس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی با چرخش واریماکس، اعتبار سازه‌ای آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت. برای تعیین پایایی مقیاس پتانسیل رفتارهای نابهنجار و فشار عمومی از همسانی درونی به روش کودر - ریچاردسون استفاده گردید که میزان آن به ترتیب (0/82) و (0/87) است که نشان می‌دهد هر دو مقیاس طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار هستند.

معرفی جامعه مورد مطالعه

استان کهگیلویه و بویراحمد با وسعتی برابر با 15504 کیلومتر مربع و موقعیتی بین 29 درجه و 49 دقیقه تا 31 درجه و 27 دقیقه عرض شمالی و 49 درجه و 53 دقیقه تا 51 درجه و 53 دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان کهگیلویه و بویراحمد از شمال به استان چهارمحال و بختیاری، از مشرق به استان‌های فارس و اصفهان، از جنوب به استان‌های فارس و بوشهر و از مغرب به استان خوزستان محدود شده است. استان کهگیلویه و بویراحمد در سال 1395، دارای هشت شهرستان به نام‌های بویراحمد، کهگیلویه، گچساران، دنا، بهمئی، باشت، چرام و لنده و نیز شامل 17 شهر، 19 بخش، 45 دهستان و 2238 آبادی بوده است (گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه، 1396: 16 - 11).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی (جدول شماره 1)، از مجموع 450 نفر پاسخگو، 230 نفر (51/1) درصد مرد و 220 نفر (48/9) درصد زن بوده‌اند. 213 نفر (47/3) درصد مجرد و 237 نفر (53/7) درصد متأهل بوده‌اند. 290 نفر (64/4) درصد در شهر و 160 نفر (35/6) درصد در روستا سکونت داشتند. 186 نفر (41/3) درصد در رده‌ی سنی 32 - 18، 180 نفر (0/40) درصد در رده‌ی سنی 48 - 32 و 84 نفر (18/7) درصد بین 65 - 48 بوده‌اند. به لحاظ درآمد 78 نفر (17/3) درصد زیر 500 هزار تومان، 151 نفر (33/6) درصد بین 500 تا 1 میلیون، 118 نفر (26/2) درصد 1 تا 2 میلیون تومان، 80 نفر (17/8) درصد 2 تا 3 میلیون تومان و 23 نفر (5/1) درصد

بالای 3 میلیون بوده‌اند. از نظر تحصیلات 9 نفر (2 درصد) پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، 69 نفر (15/3 درصد) آن‌ها ابتدایی یا راهنمایی، 144 نفر (32/0 درصد) دبیرستان یا دیپلم، 181 نفر (40/2 درصد) فوق دیپلم یا لیسانس و 47 نفر (10/4 درصد) آنها فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

جدول 1- آمار توصیفی متغیرهای جمعیتی

متغیر	تعداد	درصد معتبر
مرد	230	51/1
زن	220	48/9
مجرد	213	47/3
متاهل	237	53/7
شهر	290	64/4
روستا	160	35/6
دیپلم و زیر دیپلم	9	2/0
ابتدایی یا راهنمایی	69	15/3
دبیرستان یا دیپلم	144	32/0
فوق دیپلم یا لیسانس	181	40/2
فوق لیسانس و بالاتر	47	10/4
کمتر از 500 هزار تومان	78	18/3
500 تا 1 میلیون تومان	151	33/6
بین 1 تا 2 میلیون تومان	118	26/2
بین 2 تا 3 میلیون تومان	80	17/8
بالای 3 میلیون تومان	32	5/1
18 - 32 ساله	186	41/3
32 - 48 ساله	180	40/0
48 سال بالا تا 65	84	17/8

بر اساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین نمره پتانسیل رفتارهای نابهنجار پاسخگویان بر روی مقیاسی با دامنه‌ی صفر (کمترین) تا 20 (بیشترین) و میانگین واقعی (10) برابر (7/1) بوده است. نمره‌ی میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار در مقیاس مورد مطالعه نزدیک به متوسط است. از سوی دیگر، میانگین نمره‌ی فشار عمومی بر روی مقیاسی با دامنه‌ی صفر (کمترین) و تا 27 (بیشترین) و میانگین واقعی (13/5) برابر با (8/8) است. این یافته‌ی تحقیق به این معناست که میزان فشار عمومی؛ یعنی

حذف محرک مثبت، محرک منفی، احساس به آینده، انتظار و امید به آینده و فقدان انگیزش، کمتر از میانگین واقعی می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

برای پیش‌بینی پتانسیل رفتارهای نابهنجار به عنوان متغیر پنهان وابسته، بر اساس فشار عمومی به عنوان متغیر پنهان مستقل، از مدل معادلات ساختاری¹ استفاده شده است. در این مدل، پتانسیل رفتارهای نابهنجار با استفاده از دو متغیر آشکار هنجارهای رسمی و هنجارهای غیررسمی تعریف شده است. بررسی نیکویی برازش² مدل نشان می‌دهد، مقدار کای اسکوئر (63/4) با درجه آزادی (13) به لحاظ آماری معنادار است (0/000 = سطح معناداری). به علاوه، شاخص ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد (0/000) و نیز شاخص‌های نیکویی برازش³ (0/96) و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده⁴ (0/92) نیز تأیید می‌کنند که مدل دارای برازش مطلوبی است و با داده‌های تجربی مورد استفاده، سازگاری و توافق دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، برآورد خطا برای متغیر پتانسیل نابهنجاری غیررسمی (0/37) و پتانسیل نابهنجاری رسمی (0/38) است. به علاوه، مقدار خطا برای متغیر آشکار حذف محرک مثبت (0/90)، وجود محرک منفی (0/77)، فقدان انگیزش (0/38)، احساس در مورد آینده (0/34) و انتظار و امید به آینده (0/41) است. بار عاملی متغیر پنهان وابسته پتانسیل رفتار نابهنجار با بُعد هنجارهای غیررسمی (0/79) و با بُعد هنجارهای رسمی (0/78) است. از سوی دیگر، بار عاملی متغیر مستقل پنهان فشار عمومی با بُعد حذف محرک مثبت (0/32)، وجود محرک منفی (0/48)، فقدان انگیزش (0/79)، احساس در مورد آینده (0/81) و انتظار و امید به آینده (0/77) است که با توجه به مقادیر تی که بزرگتر از 1/96 هستند، هیچ یک از بارهای عاملی رد نمی‌شوند. ضریب علی فشار عمومی بر روی پتانسیل رفتارهای نابهنجار (0/64) است که با توجه به مقدار تی (6/9) این ضریب، معنادار است و نشان می‌دهد به ازای هر واحد تغییر در فشار عمومی به چه میزان در پتانسیل رفتار نابهنجار تغییر بوجود می‌آید. میزان خطای متغیر وابسته پنهان (0/59) است که نشان می‌دهد

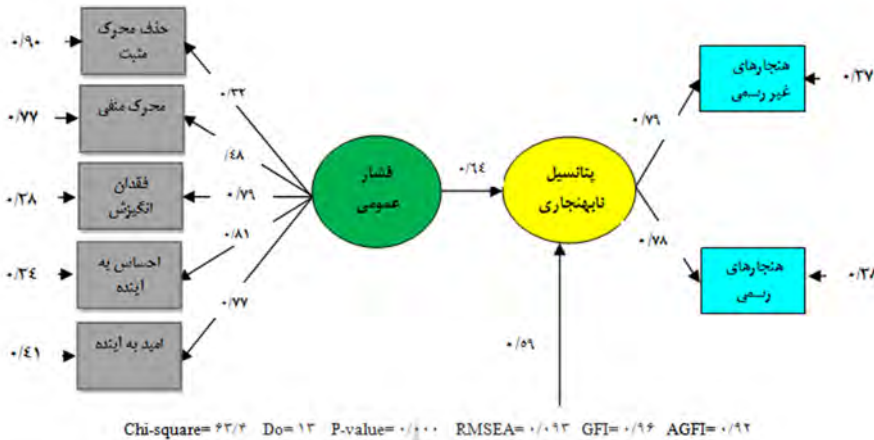
1- Structural Equation Model

2- Goodness of Fit

3- GFI

4- AGFI

برآورد انجام شده دارای دقت مناسبی است و متغیر مستقل فشار عمومی قادر است 41 درصد متغیر وابسته پتانسیل رفتار نابهنجار را تبیین نماید.



شکل 2- اثر فشار عمومی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار با استفاده از مدل معادله ساختاری

در تحقیق حاضر متغیرهای جمعیتی (جنسیت، سکونت، وضع تأهل، سن، میزان درآمد و میزان تحصیلات) به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و تفاوت‌پذیری آن‌ها با پتانسیل رفتارهای نابهنجار جهت وضوح بیشتر رابطه‌ی متغیرهای اصلی تحقیق، بررسی شد که نتایج در جداول 2 تا 7 منعکس شده‌اند.

بر اساس جدول شماره‌ی 2 میانگین نمره‌ی پتانسیل رفتارهای نابهنجار مردان بیشتر از زنان است و این تفاوت در سطح 0/99 درصد معنادار است.

جدول 2- تفاوت زنان و مردان در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

جنسیت	میانگین	t	df	sig
مرد	4/90	5/87	448	0/000
زن	3/70			

نتایج جدول 3 بیانگر این است که میانگین نمره‌ی پتانسیل رفتارهای نابهنجار در مناطق شهری بیشتر از نواحی روستایی است و این تفاوت در سطح 0/99 درصد معنادار است.

جدول 3- تفاوت مناطق شهری و روستایی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

sig	df	t	میانگین	محل سکونت
0/000	448	12/03	8/78	شهر
			4/12	روستا

نتایج جدول 4 نشان می‌دهد میانگین نمره‌ی پتانسیل رفتارهای نابهنجار در افراد مجرد به طور معناداری بیش از افراد متأهل است و این تفاوت در سطح 0/99 درصد معنادار است.

جدول 4- تفاوت مجردان و متأهلان در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

sig	df	t	میانگین	تأهل
0/000	448	7/25	4/67	مجرد
			3/88	متأهل

بر اساس جدول 5 افراد با سطوح مختلف تحصیلی به لحاظ میانگین نمره‌ی پتانسیل رفتارهای نابهنجار تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول 5- تفاوت افراد با سطوح مختلف تحصیلی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

sig	df	f	میانگین	میزان تحصیلات
0/108	4	1/90	4/33	کمتر از دیپلم
			6/60	ابتدایی یا راهنمایی
			7/06	دبیرستان یا دیپلم
			7/65	فوق دیپلم یا لیسانس
			6/57	فوق لیسانس و بالاتر

نتایج جدول 6 نشان می‌دهد افراد با سطوح مختلف درآمدی به لحاظ میانگین نمره‌ی پتانسیل رفتارهای نابهنجار تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول 6- تفاوت افراد با سطوح مختلف درآمدی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

sig	df	f	میانگین	میزان درآمد
0/601	4	0/688	7/23	کمتر از 500 هزار تومان
			7/34	500 تا 1 میلیون تومان
			7/28	بین 1 تا 2 میلیون تومان
			6/37	بین 2 تا 3 میلیون تومان
			7/17	بالای 3 میلیون تومان

جدول 7 نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف سنی به لحاظ میانگین نمره پتانسیل رفتارهای نابهنجار تفاوت معناداری وجود دارد که با افزایش سن از میانگین نمره پتانسیل رفتارهای نابهنجار کاسته می‌شود.

جدول 7- تفاوت افراد با سطوح مختلف سنی در پتانسیل رفتارهای نابهنجار

میزان سن	میانگین	f	df	sig
18-32	8/37			
بالای 32 تا 48	7/50	39/20	2	0/000
بالای 48 تا 65	3/58			

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کوشش شد تا اثر فشار عمومی بر اساس پنج بُعد (حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی، فقدان انگیزش، احساس در مورد آینده و انتظار و امید به آینده) بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار بررسی شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین نمره‌های پتانسیل رفتارهای نابهنجار افراد بر روی دامنه‌ی نمره‌های صفر (کمترین پتانسیل نابهنجاری) تا 20 (بیشترین پتانسیل نابهنجاری) برابر با 7/1 است که با میانگین واقعی (10) فاصله چندانی ندارد. این یافته‌ی تحقیق نشان می‌دهد پتانسیل رفتارهای نابهنجار در بین شهروندان کمی پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند میانگین نمره‌های فشار عمومی بر روی دامنه نمره‌ها از 0 (کمترین فشار عمومی) تا 27 (بالاترین فشار عمومی) برابر با 8/8 است که کمتر از میانگین واقعی 13/5 است. این یافته‌ی تحقیق نشان می‌دهد فشار عمومی در بین شهروندان بر اساس پنج بُعد (حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی، فقدان انگیزش، احساس در مورد آینده و انتظار و امید به آینده) پایین‌تر از حد متوسط است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، میزان فشار عمومی بر پتانسیل رفتارهای نابهنجار تأثیر مثبت و معناداری دارد و طی آن با افزایش میزان فشار عمومی، میزان پتانسیل رفتارهای نابهنجار افزایش می‌یابد. مدل معادله ساختاری بیانگر آن است که فشار عمومی می‌تواند 41 درصد تغییرات پتانسیل رفتارهای نابهنجار را تبیین نماید.

در تحقیق حاضر تلاش گردید اثر سایر متغیرها بر رابطه‌ی متغیرهای اصلی تحقیق؛ یعنی فشار و پتانسیل رفتارهای نابهنجار، کنترل گردد. بر این اساس، متغیرهای جمعیتی جنسیت، وضع تأهل، سن، میزان درآمد، محل سکونت و میزان تحصیلات به عنوان متغیرهای کنترل در تحقیق وارد و تفاوت‌پذیری آن‌ها با پتانسیل رفتار نابهنجار بررسی شد. تفاوت معنادار زنان و مردان، مجردان و متأهلان، شهری‌ها و روستایی‌ها در میزان پتانسیل رفتار نابهنجار و نیز رابطه‌ی منفی سن و پتانسیل رفتار نابهنجار، بیانگر این است که تأثیر معنادار فشار عمومی بر پتانسیل رفتار نابهنجار متأثر از جنسیت، وضع تأهل، محل سکونت و سن است که لازم است در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، با ارائه‌ی اقدامات لازم جهت کاهش فشار عمومی در جامعه به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر رفتار اعضاء، می‌توان به کاهش پتانسیل رفتارهای نابهنجار به عنوان یک مسأله‌ی حاد اجتماعی کمک کرد. وقتی که پاسخ و واکنش جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر به موقعیت‌هایی مانند: نادیده گرفتن قواعد رانندگی حدود 35 درصد، نزاع 48 درصد، شهادت دروغ 16 درصد، دادن انعام یا رشوه 37 درصد، استفاده از خشونت (کلامی یا فیزیکی) 30 درصد، دادن ربا 15 درصد، تخلف انتخاباتی 28 درصد، قاچاق کالا 14 درصد، دست بردن در اسناد 15 درصد و پیدا کردن پارتی 68 درصد مثبت باشد، بیانگر این است که دستگاه‌های نظارتی کنترل رسمی و غیررسمی جامعه باید اهتمام بیشتری به عملکرد خود داشته باشند. زمانی که حدود 52 درصد در مدرسه و 41 درصد در خانواده تنبیه بدنی و تحقیر زبانی را تجربه کرده‌اند، 56 درصد با همسالان و اعضای خانواده درگیری لفظی و فیزیکی داشته‌اند، 26 درصد آینده را تاریک می‌بینند، 59 درصد احساس خوش‌اقبالی نمی‌کنند، 30 درصد احساس ناخوشایندی نسبت به آینده دارند، 29 درصد آینده را شاد نمی‌بینند و 14 درصد تلاش را بیهوده می‌دانند، بیانگر این است که شهروندان تحت تأثیر فشارهای عمومی مختلفی هستند که برخی ناشی از اتفاقات طبیعی، برخی اشتباهات شخصی و برخی عملکردهای اجرایی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مختلف در جامعه است.

در مجموع، یافته‌ی پژوهش حاضر با چارچوب نظری تحقیق مبنی بر تأثیر فشار عمومی بر رفتارهای نابهنجار اگنیو (1992) منطبق است و آن را در شرایط جامعه شهری و روستایی ایران پشتیبانی می‌کند. اگنیو هر رویداد استرس‌زا را به عنوان عامل

فشار می‌داند. او معتقد است افراد هنگامی که تحت فشار قرار می‌گیرند، دچار احساسات منفی می‌شوند و این فشار و احساسات منفی منجر به پاسخ‌های انحرافی می‌شوند. به علاوه، یافته‌ی تحقیق حاضر با نتایج پژوهش تجربی علی‌وردنیا و یوسفی (1393)، که تأثیر حذف محرک مثبت بر تمایل به خودکشی را نشان دادند و غلامی و نصیری خانقاه سادات (1394) که ناامیدی به آینده را عامل احتمال ارتکاب جرم فرض کرد همخوانی دارد. همچنین با تحقیقات کیس (2018)، که تأثیر مثبت و معنادار شاخص قربانی شدن در مدرسه، بیشاپ و همکاران (2016)، لیشر (2016)، اگنیو (2015) فشار عمومی، باریرا و همکاران (2016) شاخص تجربیات منفی، لردیولسکو (2015)، افسردگی، فشار و استرس را بر احتمال وقوع رفتار نابهنجار نشان دادند، منطبق است و آن‌ها را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار فشار عمومی بر پتانسیل رفتار نابهنجار پیشنهاد می‌شود:

- از طریق فرهنگ‌سازی و توانمندسازی والدین از طریق آموزش مهارت‌های زندگی شرایطی فراهم آورد که افراد در خانواده مورد تنبیه و تحقیر زبانی، جسمی و ... قرار نگیرند؛
- با دقت بیشتر در انتخاب و گزینش معلمان می‌توان زمینه‌ی بروز برخی رفتارها مانند تنبیه بدنی، تحقیر زبانی، ایجاد استرس برای دانش‌آموزان، خشونت و ... را در مدارس کاهش داد؛
- مسئولان با تلاش در جهت ثبات اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر زمینه‌ساز افزایش امید به آینده در جامعه شوند؛
- در جامعه شادسازی افراد از طریق برنامه‌های مختلف و امیدوارکننده افزایش یابد و از خبرهای منفی و ناامیدکننده که صرفاً جهت جلب مخاطبان بیشتر است کاسته شود؛

- فرزندان طلاق در جامعه شناسایی و وجود امنیت روانی و جسمانی آن‌ها توسط نهادهای مرتبط دولتی در خانواده‌هایشان کنترل شود؛
- با برگزاری کلاس‌های مهارت‌های زندگی در مدارس و سایر نهادها برای دامنه سنی جوانان و نوجوانان که بیشتر متمایل به رفتارهای نابهنجار هستند، مهارت‌های لازم در حوزه‌های مهارت حل مسأله، کنترل هیجان، دوست‌یابی و ... به آنها آموزش داده شود؛
- دادن تسهیلات آسان ازدواج، کمک نهادهای دولتی و عدم سخت‌گیری والدین، زمینه را برای ازدواج آسان فراهم آورد تا مجردی که بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر یکی از شرایطهای احتمال رفتارهای نابهنجار محسوب می‌شود در جامعه کمتر شود؛
- با جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، کنترل قیمت‌های اجاره بها و مسکن در شهرها، ایجاد شغل برای جوانان شهری، کنترل رسمی بیشتر، افزایش کلاس‌های مهارت آموزی در شهرها، می‌توان تا حدودی احتمال وقوع رفتارهای نابهنجار در نواحی شهری را کاهش داد.

تقدیر و تشکر

در پایان لازم می‌دانم از تمامی شهروندان استان کهگیلویه و بویراحمد و اساتید و نخبگانی که ما را در تکمیل پرسشنامه یاری نمودند نهایت سپاس را داشته باشم.

- افقی، نادر و صادقی، عباس (1388). مطالعه تطبیقی ارزش‌ها و هنجارها و رابطه‌ی آن‌ها با آنومی؛ مطالعه موردی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه گیلان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره 8، صص 65 – 106.
- بخارایی، احمد (1393). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- تامسون، دوگ (1397). درآمدی بر جامعه‌شناسی: جرم و انحرافات. ترجمه رضاعلی محسنی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- رفیع‌پور، فرامرز (1378). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. تهران: انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت ا... (1395). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.
- سرهنگ‌زاده، مرزیه و ظروفی، مجید (1394). بررسی عوامل مرتبط با ناهنجاری‌های رفتاری دانشجویان شهر هریس. مطالعات اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص 91 – 107.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (1390). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت.
- علیوردنیا، اکبر و یوسفی، ندا (1393). تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (54)، شماره دوم، صص 61 – 79.
- غلامی، کوروش و نصیری خانقاه سادات، سید مهدی (1394). بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشربندی اجتماعی با نوع ارتکاب جرم در شهرستان خلخال. مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال 12، شماره 44، صص 98-113.
- کریستین، اس سیلر و آکرز، رونالد (1390). نظریه‌های جرم‌شناختی: مقدمه، ارزیابی و کاربرد. ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، سال سوم، شماره 12، صص 105 – 147.
- گزارش اداره آب و فاضلاب استان کهگیلویه، خرداد 1395. <http://k-b.ir/543942>
- گزارش استانداری کهگیلویه، 21 فروردین 95. <http://k-b.ir/470871>
- گزارش استانداری کهگیلویه، 4 خرداد 95. <http://k-b.ir/543232>
- گزارش رییس دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد، 20 فروردین 95. <http://k-b.ir/539903>
- گزارش سازمان بهزیستی کشور، 21 اردیبهشت 95. <http://k-b.ir/542305>

- گزارش فرمانده پلیس راه کهگیلویه، مهر 95. <http://k-b.ir/554930>
- گزارش نیروی انتظامی و مبارزه با مواد مخدر، 21 مرداد 95. <http://k-b.ir/549594>
- گزارش نیروی انتظامی و مبارزه با مواد مخدر، 27 خرداد 95. <http://kvb.ir/?p=64225>
- گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد 95 – 1385، معاونت آمار و اطلاعات (1396).
- Agnew, R. (2001). “Building on the foundation of general strain theory: specifying the types of strain most likely to lead to crime and delinquency”. *Journal of research in crime and delinquency*, Vol. 38, No 4, pp. 319-361.
- Agnew, R. (2015). “Using General Strain Theory to Explain Crime in Asian Societies”. *Asian Criminology*, 10, pp.131-147.
- Barrera, D. J. Gaga-a, B. & Pabayos, J. (2016). “Negative Life Events and Maladaptive Behaviors Among Filipino Adolescents: an Empirical Test of the General Strain Theory”. *Asian Criminology*, 1, pp.265-287.
- Bishopp, S. A. Worrall, J. & Piquero, N. L. (2016). “General strain and police misconduct: the role of organizational influence”. *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, Vol. 39. No 4, pp. 635 – 651.
- Brinkerhoff, D.B. White, L.K. Ortega, S.T. & Weitz, R. (2011). “Essentials of sociology”. United States: Wadsworth Cengage Learning.
- Ferrante, J. (2011). “Seeing sociology: an introduction”. United States: Wadsworth Cengage Learning.
- Ferris, K. & Stein, J. (2010). “The real world: An introduction to sociology”. New York: W.W.Norton & Company.
- Giddens, a. & Griffiths, S. (2009). “Sociology”. London, Polity Press.
- Keith, SH. (2018). “How do Traditional Bullying and Cyberbullying Victimization Affect Fear and Coping among Students? An Application of General Strain Theory”. *Am J Crim Just*, 43, pp. 67-84.
- Kendal, D. (2011). “Sociology in over times, The essentials. United States, Wadsworth Cengage Learning.
- Leasure, P. (2016). “General strain and procedural justice in retail banking, A qualitative case study with a multi-theoretical approach to improving compliance policy”. *Journal of Financial Crime*, Vol. 23, No 3, pp. 588-604.
- Nisar, M. Ullah, S. Madad, A. & Sadiq, A. (2015). “Juvenile Delinquency: The Influence of Family, Peer and Economic Factors on Juvenile Delinquents”. *App. Sci. Report*. 9 (1), pp. 37-48.

- Radulescu, S. (2015).“anomie and suicide in the post-communist societies”. Romanian Journal of Sociology, the new series, XXVI, 5-6, pp. 325-350.
- Teymoori, A. Jetten, J. Bastian, B. Ariyanto, A. Autin, F. Ayub, N. & et al. . (2016).“Revisiting the Measurement of Anomie”. PLoS One; San Francisco, Vol. 11, Iss 7, pp. 1- 27.
- Tischler, H. L. (2010).“Introduction to sociology”. Australia, Wadsworth Cengage Learning.

